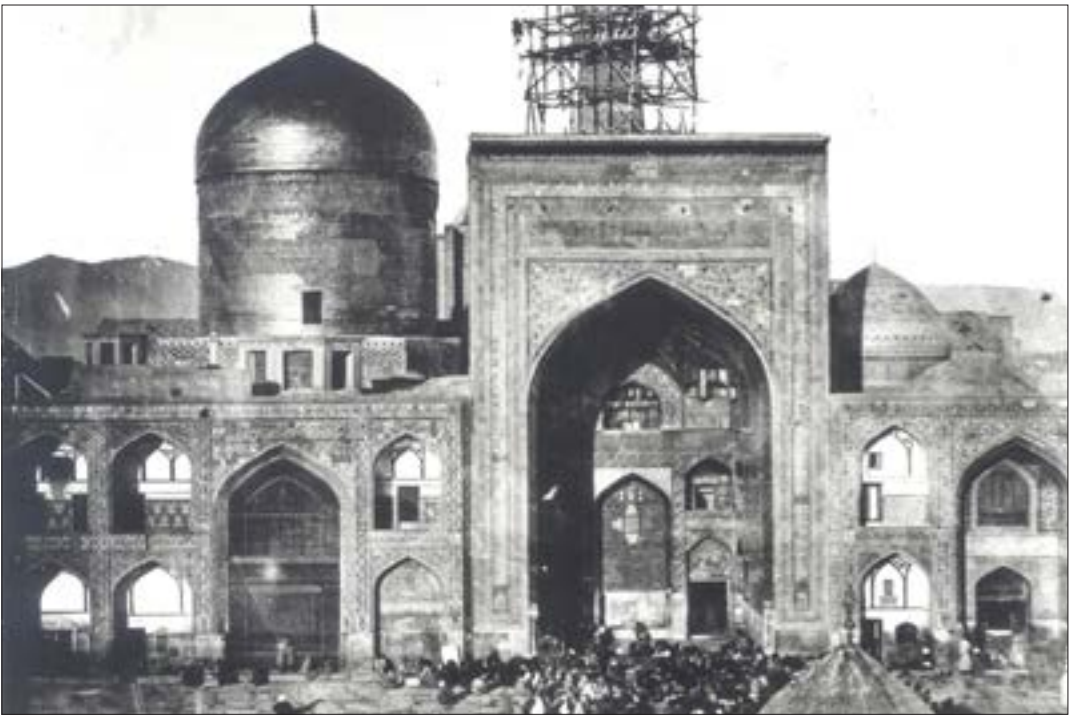


زیارت نامه خوانی، سنگ چینی و غلتاندن سنگ‌های زائر

بر خلاف گمان برخی، «تپه‌سلاام» مشهد تنها به یک نقطه اطلاق نمی‌شده، بلکه چند تپه وجود داشته که زائران بر فراز آن آداب زیارت را به‌جا می‌آورده‌اند



«تپه‌سلاام»، را این‌گونه توصیف می‌کند: «در ۹ میلی مشهد، بر فراز بلندی که به آن «تپه‌سلاام» می‌گویند، رسیدیم. «تپه‌سلاام» محلی است که مسافرانی که به قصد زیارت به مشهد می‌آیند، اولین منظره را از این شهر و گنبد طلای حضرت‌عزا^۱ در پیش رو می‌بینند. در اینجا از کنار ستونی عبور کردیم که شعری به فارسی بر آن حک شده بود. در این نوشته آمده بود که این راه به همت سپه‌سالار محمد، پسر امیر، والی خراسان، در سال ۱۸۶۷م ساخته شده است.»

ستونی که «بیت» در متن کتاب «خراسان و سیستان» به آن اشاره دارد، درواقع «ستون زیارت‌نامه» است. زائران بعدورود به «تپه‌سلاام»، روپه‌گنبد مطهر می‌ایستادندوبه خواندن زیارت‌نامه می‌پرداختند. علاوه براین‌ها آداب دیگری هم در «تپه‌سلاام» برقرار بود که شاید کمتری کسی از آن‌ها خبر داشته باشد. یکی از این آداب، تراشیدن «سنگ‌های زائر» بود. هانری رنه دالمانی، جهانگرد و پژوهشگر فرانسوی که در سال ۱۲۷۷ خورشیدی به مشهد سفر کرده است. در این باره می‌نویسد: «طرف عصر ما به تپه‌ای رسیدیم که از آنجا دورنمای شهرپدیدار می‌گردد. در راه سنگ‌های بزرگی را دیدیم که کمی تراشیده و مدور بودند و آن‌ها را زوار می‌نامیدند. یکی از وظایف عابرین این است که سه دفعه این سنگ‌ها را به طرف شهر بغلتانند. ارابه‌ارانان هم گاهی این سنگ‌ها را در روی ارابه خود گذارده و چند فرسخ آن‌ها را نقل مکان می‌دهند ولی نباید آن‌ها را به‌طرف عقب نقل نمایند و اگر کسی چنین کاری را بکند، مرتکب گناه بزرگی شده است. ما هم به تقلید سایرین پیاده شده و هریک سه دفعه این زوار بی‌جان را به طرف شهر غلتانیم. مسافرت این سنگ‌ها برای زیارت ممکن است چندین سال به طول انجامد اما به محض اینکه به شهر نزدیک شدند، پرستاران آستانه می‌آیند و آن‌ها را با تشریفاتی به شهر می‌برند و در محلی که برایشان معین شده و اکنون عده زیادی از آن‌ها در آنجا دیده می‌شود جای می‌دهند. خلاصه همین که به بالای تپه رسیدیم تمام زواری که چند روز با ما راه می‌پیمودند، سر تعظیم به طرف شهر فرود آوردند و بعد چند سنگی را به‌علامت رویت گنبد آستانه روی هم گذارده هرم کوچکی تشکیل دادند (سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ص ۶۰۷ و ۶۰۸).»

زیارت‌نامه‌خوانی و سنگ‌چینی، دورسم فعال و موردتوجه در «تپه‌سلاام» بود که با دقت خاصی رعایت می‌شد. شاید گزارش «مشتاقی نائینی»

مرضیه ترابی| حکایت «تپه‌سلاام»، حکایت ارادت است. عشقی که قرن‌هاست در دل و جان این مردم ریشه دوانده و پایدار شده است؛ محبتی که برای ابرازش راه‌های گوناگون می‌جویند و در مسیر عرضه آن سر از پا نمی‌شناسند. برخلاف باور عمومی، «تپه‌سلاام»، نام خاص نیست؛ یعنی در پهنه جغرافیای تاریخی شهر مشهد و اطراف آن، فقط به یک نقطه اطلاق نمی‌شود. تا حدود صد سال قبل که راه‌های ورود به مشهد متعدد و عموماً از میان کوه‌های اطراف می‌گذشت، هر مسیر نقطه‌ای خاص و ویژه داشت که از آنجا می‌شد گنبد طلای حرم رضوی را دید و از انعکاس نور خورشید در آن به وجد آمد. تمام این مکان‌ها که در مسیر گذرگاه‌ها و جاده‌های اصلی ارتباطی مشهد قرار داشتند، به «تپه‌سلاام» مشهور بودند. به همین دلیل، ممکن است در متون تاریخی مربوط به پیشینه مشهد، به چندین تپه‌سلاام برخورد کنید که با موقعیت کنونی آن هم خوانی نداشته باشد؛ اما قدر مسلم این است که «تپه‌سلاام» فعلی که بر سر راه شریف‌آباد به مشهد قرار داشت، مشهورترین «تپه‌سلاام» اطراف مشهد بود؛ مسیری که بخش عمده‌ای از زائران حرم‌رضوی از آن عبور می‌کردند و به همین دلیل، برای توقف و عبور از آن، آداب خاص و ویژه‌ای تعریف شده بود؛ تپه‌سلامی که امروز می‌خواهم درباره سرگذشت و تاریخ آن که پیوستگی خاصی با تاریخ و فرهنگ زیارت دارد، مطالبی را خدمت شما خوانندگان عزیز عرض کنم.

● همه «تپه‌سلاام»‌های ایران

همان‌طور که اشاره کردم، «تپه‌سلاام» یک نام عام است و جالب است که فقط به مشهد اختصاص ندارد. در متون تاریخی می‌توان رد و نشان‌های بسیاری برای اثبات این امر یافت. مثلاًعلیرضاخان عضدالملک(درگذشته ۱۳۲۸قمری) در سفرنامه عتبات خود به و جود تپه‌ای با این عنوان در نزدیکی کرلا اشاره می‌کند و می‌نویسد: «سه فرسنگی کرلای معلا «تپه‌سلاام» است و آن تپه‌ای است تخمیناً پنجاه ذرع در سی ذرع [و] گویا خاک دستی ریخته‌اند. آنجا زیارت‌مخیمین خوانده، روانه شدیم؛ ولی گنبد مطهر دیده نشده[جلوی آن را]نخليات گرفته است» یاحسن فسائی در «فارسنامه ناصری»، ضمن شرح خروج «فرهادمیرزا معتمدالدوله» از شیراز در سال ۱۲۹۳قمری، می‌نویسد: «چون به «تپه‌سلاام» که تل کوچکی از سنگ خرد و درشت برروی یکدیگر ریخته است به اندازه یک میل ونیم در جانب صوی شیراز رسیدند، حضرت والا پیاده گشته، روی به جانب قبله داشته، خطبه عربی، مشعر بر وداع به فصاحت تمام خوانده، با تمامت مشایعین خداحافظ [ی]فرموده، رخصت انصراف داده، بر کالسکه سوار گشته تشریف بردند.»

می‌توان چنین تصور کرد که «تپه‌سلاام» نامی عمومی برای مناطق مرتفع در اطراف شهرها بود که از فراز آن، باروها نمایان می‌شد و خبر از نزدیک بودن مقصد می‌داد، بااین حال، این عنوان در مشهد با فضای معنوی ناشی از وجود حرم مطهر رضوی پیوند خورده و موقعیتی متفاوت را ایجاد کرده بود.

● آداب «تپه‌سلاام»

«تپه‌سلاام»، امروزه حدود۵کیلومتر با مشهد فاصله دارد، اما در ادوار ماضی، این فاصله بیشتر بوده است. همان‌طور که اشاره کردیم، «تپه‌سلاام» در مسیر راه اصلی مشهد-شریف‌آباد قرار داشت که بخشی از جاده اصلی مشهد-تهران بود. زائران امام‌رضا^۲ در این مکان توقف می‌کردند. دلیل این توقف، پیدا بودن گنبد طلای حرم رضوی در دوردست بود، به‌همین دلیل، کاروان سالار طوری کاروان را حرکت می‌داد که هنگام روز به «تپه‌سلاام» برسند و او بتواند از مردم «گنبدنما» که نوعی مزذگانی است، دریافت کند. چارلز ادوارد بیت، نظامی و دیپلمات انگلیسی و کنسول بریتانیا در مشهد که در سال ۱۲۷۲ خورشیدی به این شهر رسیده بود،

اولین روز، فهمیدم «اجباری» یعنی چه؟

حسین بیات اهراسان از جای پریدم. صدای رعدآسایی یک کلمه را قاطع تکرار می‌کرد: «برپا!»

گیج و منگ بودم؛ نمی‌دانستم کجا هستم و این فریاد بابت چیست. پس از چند لحظه به خود آمدم و به یاد آوردم که در یادگان «لشکر ۱۲ خراسان» هستم و اینجا هم آسایشگاه است. سکویی به بلندی حدود شصت سانتی‌متر در تودار و ر سوله بزرگ مربع شکل تعبیه شده بود و همه، مثل من بهت‌زده به اطراف می‌نگریستند، برخی روی سکو نشسته و برخی ایستاده بودند.

همه ما روز گذشته از حوزه نظام وظیفه به یادگان منتقل و تحویل هنگ و گروهان‌های مختلف –ازجمله این گروهان– شده بودیم و این اولین صبحی بود که در یادگان لشکر از خواب بیدار می‌شدیم. صبح هم نبود البته. بیرون پنجره اثری از روشنایی دیده نمی‌شد. تنها نوری که به چشم می‌خورد، کورسوی لامپ تیرهای برق خیابان‌های داخل یادگان بود. می‌خواستم بازهم فکر کنم ولی تکرار کلمه «برپا» که کم‌کم با خشونت بیشتری ادا می‌شد، مجال فکرکردن نمی‌داد.

سرجوخه‌ای با یک شاخه تر درخت، آن‌هایی را که هنوز نفهمیده بودند «برپا» چه معنایی دارد، یا هنوز دراز یا نیم‌خیز بودند، محکم می‌زد و بلند می‌کرد. بسیار خوش‌تیپ و مرتب بود، اما مدام فحاشی می‌کرد که چرا در اجرای فرمان برپا تأخیر داریم.

بیشتر بچه‌ها لباس پوشیده و آماده شده بودند اما عده‌ای هم هنوز پوشیدن شلوار، یا پوتین یا آستین بلوزشان تمام نشده بود که فرمان «بیرون!» صادر شد. گویا در همین یکی‌دو دقیقه همه دانسته بودند که تأخیر جایز نیست و اگر در خروج از آسایشگاه تأخیر کنند، مصیبت شروع می‌شود. زیر فحش و ضربات چوب و مشت و لگد سرجوخه به‌طرف بیرون هجوم بردیم، آنکه آماده‌تر و قوی بود، خود را جلو می‌انداخت و با ضرب‌ورز دیگران را کنار می‌زد و از در خارج می‌شد. آنکه باحوصله‌تر

مشهد قدیم

● آنچه خواندید، نخستین خاطره‌ای است که محمد حسن تقوی‌گیلانی در کتاب «خاطرات یک سرباز» آورده است. این کتاب که پاییز امسال (دو سال پس از فوت نویسنده) منتشر شده است، به روزها و شب‌هایی می‌پردازد که تقوی جوان بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ در یادگان «لشکر ۱۲ خراسان» گذرانده است. عکس بالا، او و هم خدمتی‌هایش را در همین یادگان نشان می‌دهد که تا ۱۹ دی سال ۱۳۳۵ با نام یادگان لشکر «۸ خاور» شناخته می‌شود. اما از این تاریخ، لشکر به ۱۲ خراسان» تغییر نام می‌دهد. این لشکر ۷ ذرع در سال ۱۳۴۲ تا ۶ خراسان» را می‌گیرد و در نهایت در سال ۱۳۴۷ به لشکر «۷۷ خراسان» تغییر می‌یابد.

(درگذشته ۱۳۱۸ قمری) بتواند شواهد ما را برای درک وضعیت «تپه‌سلاام» در عصر قاجار تکمیل کند. او در کتاب «تحفة الفقراء» می‌نویسد: «از «کلنبه» تا «تپه‌سلاام» هفت میل است. در اینجا یک سنگ مرمر سیاه‌نصب کرده‌اند که روی آن سنگ، زیارت‌نامه حضرت امام‌رضا علیه السلام را کنده‌اند و از این تپه شهر مشهد با گنبد مقدس امام نمایان‌اند.»

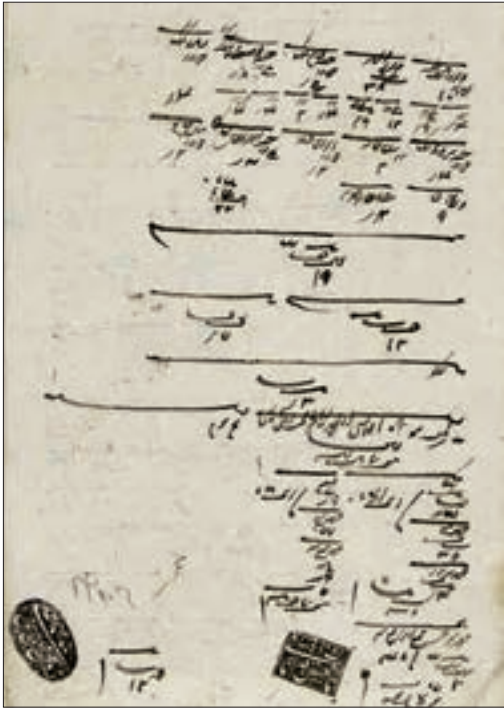
● چند نکته تاریخی

گزارشی شفاهی از برخی موقوفه‌های مربوط به «تپه‌سلاام» وجود دارد که ظاهراً مربوط به تهیه استخوان برای سگ‌های ولگرد و ریختن آن‌ها دو فرسخ دورتر از «تپه‌سلاام» است. تا زائران حرم مطهر رضوی، هنگام بیتوته‌از آزار و مزاحمت سگ‌ها در امان باشند، با این حال، نگارنده در جست‌وجوی خود میان اسناد، به سندی درباره این موقوفه بر نخورد و از آن نشانی پیدا نکرد. به‌همین دلیل این ادعا باید تا کشف اسناد مربوط به یا دیده تردید موردبررسی قرارگیرد. «تپه‌سلاام» محل عبور کاروان‌امرا و سلاطینی بود که به قصد زیارت، جاده شریف‌آباد به مشهد را طی می‌کردند. ناصرالدین‌شاه در سفرهای خود به مشهد همیشه از این مکان عبور می‌کرد. اعتمادالسلطنه در کتاب «تاریخ منتظم ناصری» به عبور ناصرالدین‌شاه از «تپه‌سلاام» در سال ۱۲۸۶قمری اشاره می‌کند و می‌نویسد: «روز دوازدهم به شریف‌آباد نزول اجلال فرمودند؛ روز سیزدهم به جانب طرق نهضت فرما شدند، در بین راه در محل موسوم به «تپه‌سلاام» حضرت شاهنشاه زاده اجل والا جلال‌الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان و حاجی بهاء‌الدوله و سایر چاکران و اعیان خراسان به رسم استقبال و تقبیل رکاب اعلی نایل گردیدند. روز چهاردهم موکب مسعود به مشهد مقدس ورود فرمود و لدی‌الورود ذات اقدس همایون به زیارت روضه مقدسه رضوی سلام... علیه‌تشرّف جسته جقه مبارک را که علامت خاصه سلطنتی است، محض احترام پیشکش آستانه مشرفه حضرت فرمودند.» بد نیست بدانید که اعطای این جواهر به حرم رضوی و نصب آن بر دیوار بالاسر مبارک در روضه منوره، آغاز نصب جعبه‌های جواهر، موسوم به «خوانچه» در اطراف ضریح امام‌رضا^۳ بود. امروزه در نزدیکی «تپه‌سلاام»، روستایی بسیار بزرگ با بیش از ۸ هزار نفر جمعیت وجود دارد که به‌خاطر محصولات لبنیاتی‌اش مشهور است، اما به دلیل فعالیت وسایل نقلیه مدرن و عدم عبور از جاده قدیمی، آدابی که برشمردیم یکسره منسوخ شده است.

تاریخ حرم

کوتاه‌درباره یکی از بناهای زیبادر مجموعه حرم مطهر رضوی که دیگر نشانی از آن نیست

رواق و گنبد «اُپک میرزا»، یادگار دوره تیموری



فرخدا حرم مطهر رضوی سوای ارزش معنوی و قداست همیشگی اش، مجموعه‌ای از بناهای تاریخی است که دارای ارزش معماری و هنری بسیاری هستند و در ساخت و آذین آن‌ها هنرهایی مانند کاشی‌کاری، گچ‌بری، خوش‌نویسی، خاتم‌کاری، منبت، معرق، سنگ‌تراشی، آینه‌کاری و بسیاری هنر دیگر استفاده شده و هنرمندان بزرگ بی‌شماری در طول تاریخ از خود یادگارهایی در این مجموعه به‌جا گذاشته‌اند، البته ناگفته‌نماند که برخی از این ابنیه تاریخی در گذر قرن‌ها و باتوسعه حرم به دلایل مختلف تخریب شده و اکنون جز در اسناد باقی‌مانده در آستان قدس رضوی، نام و نشان دیگری از آن‌ها باقی نمانده است. رواق و گنبد آپک میرزا یکی از این آثار است که اکنون دیگر نیست اما وصف زیبایی‌اش در اسناد باقی‌مانده از حرم مطهر رضوی باقی مانده است. سطرهای بعدی گذری است بر تاریخ این گنبد که دیگر نیست.

● «اُپک میرزا» کیست؟

روایت است که «محمد محسن میرزا» مشهور به «کُپک میرزا» یا «اُپک میرزا» از فرزندان سلطان حسین بایقرا ی تیموری بوده که از سال ۹۰۶ تا ۹۱۳ قمری در نسا و ایپورد حکمرانی می‌کرده اما در این سال (۹۱۳ قمری) در جنگ با زبکان در نزدیکی مشهد کشته شده است و رواق و گنبد آپک میرزا به‌احتمال بسیار به نام اوست. گویا از این بنای فراموش‌شده در مجموعه حرم مطهر رضوی تنها یک کتیبه سنگی باقی مانده است که اکنون در موزه حرم نگهداری می‌شود. بر روی این کتیبه نام‌ها و القاب برخی رجال دوره تیموری حک و نگاشته شده است؛ ناگفته‌نماند که اعتمادالسلطنه نام این بنا را به‌صورت کامل «گنبد گپک میرزا» نوشته و برخی تاریخ‌نگاران دیگر –مانند احتشام کاویان– آن را آپک میرزا نوشته‌اند.

● گنبد «اُپک میرزا» کجا قرار داشته است؟

در متون تاریخی پیش از قرن ۱۳ خورشیدی، خبر چندانی درباره بنا و گنبد آپک میرزا نیست، جز اینکه در یکی از نسخه‌های کتاب «خلاصه‌التواریخ» از این مکان به‌عنوان محل دفن یکی از رجال در سده دهم هجری نام برده شده است، همچنین در اسناد تاریخی حرم مطهر نیز تنها میان سال‌های ۱۱۵۴ تا ۱۱۶۱ قمری نام این بنا دیده می‌شود. مکان آن هم گویا در پایین پای حضرت و کنار کشیک‌خانه بوده، زیرا در اسناد دوره قاجار و پهلوی از آن به عنوان راهروی کشیک‌خانه یا گنبد راهروی کشیک‌خانه هم اسم برده شده است. این بنا همچنین از شمال به گنبد حاتم‌خانی، از غرب به دارالحفاظ، از شرق به راهروی شمال کشیک‌خانه و از سمت جنوب، به تحویل‌خانه حرم مطهر رضوی راه داشته است. حکیم‌الممالک در روزنامه «سفر خراسان» درباره محل این بنا می‌نویسد: «میان مشرق و جنوب مدرسه علی نقی میرزا که در آن، میرزا علی‌رضا مستوفی، مهمان‌خانه محقری ساخته است و در حقیقت این مدرسه در حال حاضر حیاط کشیک‌خانه است و در پهلوی آن، کشیک‌خانه خدام، قهوه‌خانه و راهروی کشیک‌خانه معروف به گنبد آپک میرزا قرار دارد.»

● معماری گنبد «اُپک میرزا»



برابر اسناد، رواق و گنبد آپک میرزا، بنایی مستطیل شکل با طول دوازده وعرض هشت متر بوده و چهار شاه‌نشین بزرگ داشته است. اسناد باقی‌مانده از تعمیرات حرم مطهر رضوی نشان می‌دهد تا پیش از تغییرات بنا در دوره قاجار و پهلوی، نمای ساقه‌گنبد آپک میرزا از سنگ و دارای پنجره بوده است. تزئینات داخل بنا هم شامل مقرنس‌کاری در زیر سقف و کادربندی و کتیبه‌نویسی در پایین مقرنس‌ها و فیل‌گوش‌ها می‌شده است. این کادربندی‌ها و کتیبه‌های گچی با آرایه‌های گیاهی الوان به‌رنگ‌های سبز و شنگرف و لاجورد نقاشی شده بودند که این تزئینات تا پیش از آنکه در دوره قاجار زیر سقف گنبد را آینه‌کاری کنند، وجود داشته است. کف این رواق را در دوره قاجار با سنگ‌های مرمرین زیبا فرش می‌کنند؛ همچنین در بالای سنگ‌های آزاره بنا کتیبه‌ای به خط نستعلیق وجود داشته که بر روی آن ابیاتی از مرحوم صوری ملک الشعراء آستان‌قدس رضوی نقش زده بودند. این کتیبه، دیوارها و سقف را محمدتقی میرزای رکن‌الدوله، متولی‌باشی آستان قدس، در این دوره آینه‌کاری می‌کند. متأسفانه این گنبد زیبادر سال ۱۳۴۶ خورشیدی تخریب و فضای آن به رواق دارالسلام ضمیمه می‌شود.

منبع، مقاله «بررسی اسناد تعمیرات گنبد آپک میرزا و میرولی‌بیک با تکیه بر دوره افشاریه، پژوهش اعظم نظرکرده، کارشناس مرکز اسناد آستان قدس رضوی

تاریخ و هویت

SHAHRAKNEWS.IR
شنبه ۴ دی ۱۴۰۳
شماره ۴۴۴

۱۵

